

نگرشی بر مفهوم مالیه اسلامی با تأکید بر مالیات اسلامی زکات

مهدی مهدوی‌خو

کارشناس ارشد حسابداری

Mahdi.Mahdavikhou@gmail.com

رضا مهدوی‌خو

کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی

Reza.Mahdavikhou@gmail.com

از مهم‌ترین اهداف اقتصادی دولت، تخصیص بهینه منابع، توزیع عادلانه درآمد، رشد اقتصادی، گسترش اشتغال، ثبات اقتصادی و حفظ سطح عمومی قیمت‌ها و نیز بهبود تجارت بین‌الملل و تراز پرداخت‌ها است و مالیات می‌تواند به‌عنوان ابزار سیاستی به دولت در جهت نیل به این اهداف، کمک نماید. دولت می‌تواند با استفاده از سیاست مالی که مالیات نیز یکی از ابزارهای آن است، نوسانات اقتصادی را کاهش داده و در ایجاد ثبات اقتصادی گام بردارد. به این ترتیب که هنگام رکود اقتصادی، دولت با اعمال سیاست مالی انبساطی و کاهش نرخ‌های مالیات، درآمد قابل تصرف افراد و در نتیجه تقاضا برای کالاها و خدمات را افزایش و رکود اقتصادی را تخفیف دهد و برعکس به هنگام رونق اقتصادی که اقتصاد با سطح بالای تقاضای کل مواجه است، نرخ‌های مالیاتی را افزایش و در نتیجه تقاضا برای کالاها و خدمات را کاهش دهد و به این ترتیب تا حدودی فشارهای تورمی را تخفیف دهد. از این‌رو، تبیین چستی و چرایی فلسفه وجودی پایه‌های مالیاتی و شناخت مبانی و پایه‌های مختلف وصول مالیات جهت تحقق اهداف مالیاتی و همسان‌سازی این مبانی با اصول و قوانین اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله در تلاش است با نگرشی بر موضوع زکات به‌عنوان یکی از شاخه‌های مالیات اسلامی، به تبیین مفاهیم مالیه اسلامی پردازد و عوامل مؤثر بر تحقق مالیات‌های اسلامی را بررسی نماید.

واژه‌های کلیدی: مالیه اسلامی، مالیات اسلامی، پایه‌های مالیاتی.

۱. مقدمه

امروزه مالیات به یکی از مبانی مشروعیت و مقبولیت حکومت‌ها تبدیل شده است. بر این اساس وجود نظام مالیاتی مطلوب منجر به تقویت مبانی دولت‌های مردم‌سالار و مسئولین پاسخگو خواهد شد. مهم‌ترین منابع مالی برای یک حکومت و دولت اسلامی؛ زکات، خمس، فیه، زکات فطر، انفال، استقراض، چاپ و انتشار اسکناس، فروش اوراق قرضه و ... می‌باشند. مالیات اسلامی زکات را می‌توان به اصطلاح اقتصادی مالیات بر کالا نامید که به‌عنوان یک مالیات اسلامی به‌طور مطلق و عام در قرآن بیان شده است. اما از منظر اقتصادی، زکات، به‌صورت تئوریک، نتیجه یک موفقیت اقتصادی است که از سوی افرادی با مازاد درآمد سالانه با رعایت حد نصاب مشخصی به افراد فقیر پرداخت می‌گردد. این کار سبب افزایش قدرت خرید و افزایش تقاضا برای تحصیل کالا و خدمات می‌شود (احمد، ۱۹۷۷).

همچنین، زکات را می‌توان نوعی مالیات اجباری در جوامع اسلامی دانست که به‌منظور توزیع ثروت ثروتمندان در میان افراد نیازمند اخذ می‌گردد (زعیم، ۱۹۸۹). در مورد زکات به‌عنوان یک مالیات اسلامی، در بین فقها و علما و اندیشمندان نظرات و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. براساس نتایج حاصل از تحقیقات انجام‌شده، مالیات در تمام سیستم‌ها و حکومت‌ها مورد توجه بسیار می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در مورد زکات دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه نخست؛ پایه‌های مالیاتی زکات را تنها ۹ مورد می‌داند و دیدگاه دوم که پایه‌های زکات را منحصر به این ۹ مورد نمی‌داند و آن را براساس شرایط مکانی و زمانی قابل تغییر می‌داند. در شریعت اسلامی به مسئله توزیعی مجدد درآمد و اثر توزیعی این نوع مالیات توجه بسیار شده، به‌طوری‌که از ۸ مورد مصرف این مالیات ۵ مورد آن به فقیران و تهیدستان اختصاص داده شده است. در سایر کشورهای اسلامی مالیات زکات از تمام موارد تولید درآمد و ثروت دریافت می‌گردد (عظیمی‌دخت، ۱۳۹۰).

۲. انواع درآمدهای حکومت اسلامی

طی سال‌های متمادی در تاریخ، بسیاری از دولت‌های اسلامی به‌منظور افزایش درآمد دولت و برای پوشش هزینه‌های اداره حکومت اسلامی، مخارج دفاع از سرزمین‌های اسلامی، اداره مراجع قضائی، بهداشت و سلامت عمومی، آموزش و پرورش، حمل و نقل، آبیاری مراتع کشاورزی و بسیاری از تسهیلات مورد نیاز مسلمانان در جهت سیاست ارتقای اقتصادی و اجتماعی جامعه اسلامی اقدام به وضع و وصول مالیات نموده‌اند که همگی این نوع مالیات‌ها از دیدگاه اسلامی مجاز بوده است.

منابع درآمد عمومی یک جامعه اسلامی که منطبق با سنت و قرآن بیان می‌شود در ۳ طبقه قرار می‌گیرند: غنائم، صدقات و فیه (اسلامی، ۱۹۹۲).

غنائم؛ به دارایی‌هایی اشاره دارد که پس از جنگ با افراد غیرمسلمان نصیب مسلمانان می‌شود و بر اساس سوره انفال $\frac{1}{5}$ آن سهم دولت اسلامی و $\frac{4}{5}$ آن عموماً به مبارزان حاضر در جنگ داده می‌شود. این نوع درآمد در زمان پیامبر اسلام به عنوان منبع ویژه‌ای به حساب می‌آمد. صدقه؛ به‌طور جامع مترادف با زکات در نظر گرفته می‌شود. عموماً، زکات بخشی از ثروت افراد است که برای افراد مستمند و فقیر در نظر گرفته می‌شود (شبیق، ۱۹۹۱).

فیه؛ غنیمت و اگذار شده توسط دشمن بدون جنگ و خونریزی است. این نوع درآمد نوعی هدیه، تکریم یا جریمه مالی از طرف افراد یا کشورهای غیرمسلمان به دولت اسلامی است. از این نوع مالیات می‌توان به جزیه، خراج، تعرفه‌های گمرکی و اکتشاف گنج اشاره نمود (احمد، ۱۹۸۹). جزیه؛ نوعی درآمد مالی است که از طرف افراد غیرمسلمان به دلیل زندگی در کشورهای مسلمان پرداخت می‌شود تا از حمایت دولت اسلامی برخوردار شوند و این افراد تعهدی نسبت به دفاع از دولت اسلامی ندارند.

خراج؛ درآمد ناشی از مالیات بر زمین‌های کشاورزی خارج از دولت اسلامی است که به تصرف مسلمانان درآمده است.

تعرفه؛ نوعی حق گمرکی است که بر کالاهایی که وارد کشورهای اسلامی می‌شود تعلق می‌گیرد، خواه این کالاها در جامعه اسلامی مصرف شود یا اینکه از کشور اسلامی به عنوان یک معبر استفاده گردد. به‌طور خلاصه این نوع مالیات از تجار کشورهای دیگر اخذ می‌گردد. در صورتی که درآمد ناشی از خراج، غنیمت و فیه، کافی و با اهمیت باشد دیگر نیازی به وضع مالیات‌های دیگر نیست، در حالی که براساس اصول اسلامی در صورت عدم کفاف مالیات‌های مذکور، وضع مالیات‌های دیگر ضروری و الزامی است (القرداوی، ۱۹۸۰).

۳. مفاهیم اساسی مالیات

مالیات به عنوان یک پرداخت اجباری به دولت بر اساس یک پایه مالیاتی مشخص تعریف می‌گردد. (مایکسل، ۲۰۰۳). مالیات اهمیت اقتصادی و سیاسی بالایی دارد (کانولی و مونرو، ۱۹۹۹).

برخی نظریه پردازان اسلامی، مالیات اسلامی را اینگونه تعریف کرده‌اند: "مالیات اسلامی حقی معلوم است که قانون‌گذار اسلامی، بر دارایی افراد واجب کرده است." این حق به صورت نقدی و غیرنقدی بنا به شروط معین و با تکیه بر دستورالمعمل‌های مالی دریافت می‌شود و هر فرد چه در

حمایت دولت اسلامی یا خارج از این محدوده باشد، مکلف به پرداخت حقی است که بر ذمه دارد (عزیزی، ۱۳۹۰).

هانسون (۱۹۷۲)، دولت‌ها برای مدتی طولانی جهت پوشش هزینه‌های اداری، دفاعی و هزینه‌های عمومی کشور از افزایش مالیات بر درآمد بهره می‌بردند و در پاره‌ای از موارد نیز پادشاهان مستبد به منظور مخارج شخصی خویش اقدام به وصول مالیات مضاعف می‌نمودند. امروزه مالیات فقط با آن اهداف اخذ نمی‌گردد و از مالیات برای پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌شود. این ابزار یک مشارکت اجباری با دولت است که در جهت اجرای مسئولیت‌های سیاسی و اقتصادی دولت به کار گرفته می‌شود. دولت و مالیات مکمل یکدیگرند و حیات هریک بدون دیگری امکان‌پذیر نمی‌باشد. از دیگر عوامل وضع مالیات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- بررسی و پیگیری کالاهای زیان‌آور یا کالاهایی که در مصرف آن‌ها اسراف صورت گرفته است.

- توزیع مجدد دستمزدها به منظور تشویق کارگران برای تغییر فعالیت از یک صنعت به صنعت دیگر

- کاهش نابرابری درآمدها

به‌طور کلی دو اصل وضع مالیات وجود دارد: اصل نسبت، اصل تصاعدی.

اصل اول (اصل نسبت)، به این معنا است که مالیات‌ستانی باید به نسبتی از درآمد صورت گیرد. این اصل توسط آدام اسمیت، اقتصاددان مشهور اسکاتلندی حمایت می‌شود و بر اساس آن با افزایش درآمد منصفانه‌ترین شیوه محاسبه مالیات منظور می‌گردد.

اصل دوم (اصل تصاعدی)، پیشنهاد می‌کند که مالیات پرداختی بیشتر از نسبت درآمد افزایش یافته، افزایش یابد و بر مالیات مضاعف در درآمدهای بالاتر تأکید دارد. این شیوه مالیات جزئیات بیشتری از مالیات‌دهندگان و مالیات‌ستانان ارائه می‌دهد. صاحب‌نظران معتقدند که ملاک و معیار اصلی در طراحی یک ساختار مالیاتی در نظر گرفتن قاعده انصاف و تساوی حقوق است. دو اصل فوق هر یک خصوصیات منحصر به فرد خود را دارد، اما بر اساس هر دو اصل باید به این نکات توجه نمود:

- دولت‌ها باید تلاش کنند که تسهیلات لازم جهت پرداخت و وصول مالیات را فراهم نمایند.
- از لحاظ اقتصادی نیز دولت‌ها از تحمیل مالیات‌هایی با هزینه جمع‌آوری مفرط اجتناب نمایند.
اغلب یکی از مؤثرترین ابزارهای درآمدی هر کشوری برای ارتقای سطح رفاه جامعه و رسیدن به پیشرفت‌های مورد انتظار وصول مالیات است و همه افراد باید جهت رسیدن به این هدف به وظایف فردی خود در قبال جامعه عمل نمایند.

بر اساس قاعده تنوری عواطف اخلاقی اسمیت فردی که آرزوی پیشرفت ندارد یک شهروند خوب و ایده‌ال محسوب نمی‌شود، زیرا آسایش جامعه در گروی پیروی هر فرد از تکالیف شهروندی خویش است. بر این اساس ظرفیت مالیاتی توسط اسمیت به این صورت تعریف می‌شود: ثروت و قدرت هر کشوری به میزان ارزش سالانه تولیدات آن کشور و وجوه دریافتی ناشی از همه مالیات‌هایی که باید وصول شود، بستگی دارد (هولاندر، ۱۹۷۳).

۴. مالیات و زکات در اسلام

درآمدهای دولت‌های اسلامی شامل زکات، مالیات و تعرفه‌های مشخصی است. بر اساس آیات قرآن و احادیث، زکات مالی است که به منظور پاکی و وارستگی انسان‌ها و تأمین مالی مستمندان وضع گردیده و سبب افزایش روزی و وفور اموال و امنیت اقتصادی در جامعه است (کرمی و پورمند، ۱۳۸۵).

با وجود اینکه خداوند در قرآن کریم تنها به موضوع زکات اشاره نموده است، اما دانشمندان اسلامی نتیجه گرفته‌اند که دولت‌های مسلمان در کنار زکات باید مالیات و تعرفه‌هایی را نیز وضع نمایند. وضع مالیات در موارد مختلفی اتفاق می‌افتد، از جمله در مواردی که خزانه مسلمانان بودجه کافی جهت مخارج کشور را نداشته باشد (القرداوی، ۱۹۸۰).

حقوقدانان مسلمان طی سال‌های متمادی بر تصویب توافقنامه‌ای برای وضع مالیات‌های جدید جهت تأمین مالی مخارج ضروری و توزیع عادلانه بار مالیاتی در جامعه اتفاق نظر داشته‌اند. آن‌ها همچنین بر ضرورت عدم هزینه پول مالیات به روش‌هایی غیرمعتدولانه و تجملاتی تأکید نموده‌اند. مقوله مالیات از نیازهای یک جامعه بوده و در مواردی که دولت درآمد کافی برای پوشش هزینه‌های حکومتی را ندارد، این درآمد به صورت مالیات اجباری اخذ می‌گردد.

پورفرج و انصاری (۱۳۹۰) تفاوت‌های موجود مالیات‌های اسلامی با مالیات‌های معمول در کشورهای مختلف را به شرح زیر ارائه داده‌اند:

- مالیات اسلامی مالیاتی عبادی است اما مالیات متعارف به موجب قانون بوده و همانند مالیات اسلامی وظیفه دینی تلقی نمی‌شود. انسان اقتصادی با کردار دینی فرار مالیات اسلامی را نوعی گناه می‌داند، اما فرار مالیاتی در مالیات متعارف، فقط نوعی تخلف قانونی محسوب می‌شود.

- مهم‌ترین هدف مالیات اسلامی باتوجه به مصارف آن (به‌ویژه زکات و خمس) به جهت رفاه، عدالت و رفع فقر است و بیشتر در پی فقرزدایی در جامعه و توازن در مصرف است؛ ولی مالیات اسلامی را نمی‌توان به عنوان ابزار سیاست تشبیتی و تخصیصی استفاده نمود.

- درآمد مالیاتی زکات در تولیدات کشاورزی و دامی به صورت کالایی است (بر اساس مقدار کالا) و به شکل کالایی توزیع می‌شود؛ بر این اساس مالیات اثری بر تقاضای کل و آثار منفی مانند تورم بر اقتصاد ندارد. در صورتی که مالیات متعارف در اجزای مختلف مانند مالیات در مصرف کالا (مالیات فروش، یا مالیات واحد) بار مالیاتی و زیان اجتماعی ایجاد می‌کند و بر سطح درآمد، هزینه بنگاه، انتخاب خانوار اثرگذار بوده و تورم و کاهش رفاه را به دنبال دارد.

- در اقتصاد سنتی برای تسریع بهبود توزیع درآمد مالیات‌های تصاعدی پیشنهاد می‌شود در صورتی که در عمل مشاهده شده نظام مالیاتی تصاعدی قانونی به ندرت منتج به نظام‌های تصاعدی مؤثر شده‌اند و اغلب به خاطر تفاوت در برخورداری از امکان فرار در بین گروه‌های پرداخت‌کننده مالیاتی منجر به نابرابری‌های افقی اساسی شده‌اند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد اثر توزیعی مالیات‌های اسلامی نسبت به مالیات‌های متعارف بیشتر می‌باشد و مالیات‌های اسلامی علی‌رغم دارا بودن نرخ یکنواخت به واسطه معافیت‌های در نظر گرفته شده مالیات‌های تصاعدی با نرخ تصاعد ملایم می‌باشند.

- در مالیات اسلامی، لازم نیست مالیات به دولت پرداخت شود بلکه شخص پرداخت‌کننده جایز است (با اجازه حاکم شرع یا مرجع تقلید) در مصارف یادشده خرج کند؛ اما در صورتی که حاکم اسلامی دستور دریافت زکات را صادر کند بر همه مؤدیان واجب است که آن را به دولت پرداخت کنند؛ اما در مالیات‌های متعارف، جمع‌آوری مالیات و مصرف آن جزء اختیارات دولت است.

۵. فواید پرداخت زکات

قرآن مجید در سوره‌های بقره، نساء، مائده، اعراف، توبه، کهف، مریم، انبیاء، حج، مؤمنون، نور، نحل، روم، لقمان، احزاب، فصلت، مجادله، مزمل، بینه، به تفصیل درباره وجوب زکات، منافع دنیوی و اخروی زکات و حرمت منع زکات آیاتی نازل نموده است. فلسفه وجوب زکات آزمایش اغنیا و باز شدن در کمک و یاری به روی محتاجان است. این کار موجب توزیع مطلوب و منصفانه ثروت در بخش‌های مختلف یک نظام اسلامی می‌گردد. از سوی دیگر، از اهداف اصلی مقوله زکات تطهیر و خالص‌سازی مال و دارایی است؛ زیرا با پرداخت زکات، بخشی از حقوق افراد وابسته به فرد زکات‌دهنده ادا می‌گردد. این دیدگاه از آنجا ناشی می‌شود که بر اساس مفاهیم اسلامی تمام ثروت در دست افراد، امانتی از سوی خداوند متعال بوده و صاحب و مالک اصلی تنها خداوند است (ابدالنی، ۱۹۸۰). شرایط دارایی‌ها و درآمدهای زکات‌پذیر، به صورت ویژه در شریعت اسلام تعیین گردیده است. زکات به طور سنتی علاوه بر پول به کالاهای تجاری، چهارپایان، محصولات

کشاورزی و مواد معدنی مانند طلا و نقره تعلق می‌گیرد. از این دیدگاه و قیاس مواردی که به‌عنوان زکات در شریعت اسلامی در نظر گرفته شده‌اند، به سپرده‌های بانکی و اوراق بهادار نظیر سهام و اوراق قرضه نیز زکات تعلق می‌گیرد (القرداوی، ۱۹۸۰).

به‌طور کلی، پرداخت زکات بر دارایی‌هایی است که مازاد بر نیاز فرد یا افراد وابسته به اوست و به دارایی‌های مولد زکات تعلق نمی‌گیرد. بر این اساس، بسیاری از اشکال مختلف درآمد و ثروت تا زمانی که به‌عنوان دارایی یا اموال با ارزش به‌حساب می‌آیند و بیشتر از مصرف اشخاص می‌باشد باید به‌عنوان زکات در نظر گرفته شوند تا به‌دست افراد نیازمند رسانده شود. زکات بر همه اقسام با ارزشی که مازاد بر نیاز است تعلق می‌گیرد (بکر، ۱۹۹۸). اگر تمام مردم ادای زکات کنند، مسلمان فقیر و نیازمندی پیدا نمی‌شود و هر محتاجی به آنچه خداوند واجب کرده بی‌نیاز خواهد شد. مسئله زکات به‌قدری پر اهمیت است که حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: "به هر مویی از موهایت و هر لحظه‌ای از لحظات زکاتی واجب است!" (انصاریان، ۱۳۹۰). فواید بسیاری بر دادن زکات مترتب است که برخی از آن‌ها بر اساس روایت‌های موجود عبارتند از:

- رحم به ضعفا و مساکین و درماندگان و درست کردن سدی در برابر گرسنگی، عریانی و نیازمندی آنان
- تحریض بر کمک به بیچارگان و یاری آنان در امر دینشان
- زیاد شدن اموال اغنیاء و رشد آن‌ها علی‌رغم این که به‌نظر می‌رسد با دادن زکات از اموال کم می‌شود.
- حفظ اموال و جلوگیری از تلف شدن آن‌ها
- وادار کردن نفس به صبر و تحمل و بذل و بخشش
- جلوگیری از عذاب و قحطی
- جلوگیری از تلف شدن دام‌ها و حیوانات
- زیاد شدن روزی
- خاموش کردن غضب پروردگار

۶. تغییر به سمت تحقق مالیه اسلامی

مالیه اسلامی یک بازار در حال رشد است و براساس برآوردهای انجام شده رقم دارایی‌های این بازار وسیع در سال ۲۰۰۸ به ۹۵۱ میلیارد دلار رسیده و این در حالی است که این رقم در اواسط دهه ۹۰ میلادی در حدود ۱۵۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. بانک جهانی این دارایی‌ها را اغلب سرمایه‌های بانکی، انتشار صکوک و وجوه موجود در حساب شرکت‌های بیمه اعلام نموده است (هیئت مالیاتی استرالیا، ۲۰۱۰).^۱

خدمات مالی ارائه شده بر مبنای مالیه اسلامی منطبق با شریعت و قوانین اسلامی بوده و بر اساس صلاحدید و اجازه حاکمان شرع این خدمات قابل تغییر و تعدیل می‌باشند. ارائه خدمات و گزارشات مالی در مؤسسات مالی اسلامی بر اساس اصول منطبق بر فقه اسلامی بوده و نیازمند به کارگیری شروط زیر است:

- ممنوعیت بهره بانکی بر اساس تغییر ارزش زمانی پول
 - ممنوعیت ابهام یا عدم شفافیت کامل در ارتباط با بازه زمانی قراردادهای مالی
 - ممنوعیت سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی که از نظر شرعی حرام و ممنوع است.
 - ممنوعیت در نظر گرفتن سود مطلق در خدمات مالی و تسهیم سود و زیان حاصله بین طرفین
- بررسی‌ها نشان می‌دهد بسیاری از کشورهای دنیا در حال تغییر قوانین مالی و مالیاتی خود به سمت مالیه اسلامی هستند. برای مثال کشور انگلستان در تغییرات اخیر خود نحوه برخورد با مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده را بر اساس نحوه برخورد مالیه اسلامی با موضوع بهره، تعدیل و رهنمودی در این خصوص منتشر نموده است. ایرلند در مقوله معاملات اعتباری، سپرده‌گذاری بانکی و معاملات سرمایه‌گذاری به معرفی و اجرای راهکارهای اسلامی پرداخته است. فرانسه در قوانین مالیاتی خود تغییری اعمال ننموده، اما رهنمودی برای تشریح نحوه مواجهه قوانین اسلامی با موضوع مالیات منتشر نموده است. سنگاپور به همسان‌سازی معاملات و خدمات مالی مرسوم و خدمات منطبق بر اصول اسلامی پرداخته است. مالزی به عنوان یک قطب کلیدی و جهانی در مالیه اسلامی، به تصویب قوانین مالیاتی بر مبنای قوانین و اصول اسلامی پرداخته و مشوق‌هایی را برای حرکت سریع‌تر به سمت اجرای این مصوبات برای مالیات‌دهندگان در نظر گرفته است. اندونزی قوانین ویژه‌ای را که بر اساس آن ساختارهای مالی معتبر شناسایی و معرفی می‌گردند، تدوین و برای اطمینان بخشی از عدم اخذ مالیات مضاعف بر اساس قوانین اسلامی فرهنگ سازی می‌نماید. کره جنوبی در جهت حذف موانع مالیاتی استفاده از صکوک به عنوان یک ابزار مالی اسلامی اقدام

1. Australian Board of Taxation

نموده است. در استرالیا نیز کمیته مالیاتی استرالیا، در حال بازبینی رفتار مالیات اسلامی برای توصیه آن به عنوان یک راه حل ممکن می باشد. همانگونه که اشاره شد برخی از کشورهای دنیا در قوانین مالی و مالیاتی خود مالیه اسلامی را به عنوان جایگزین مناسبی به کار برده اند. این تجربه های جهانی می تواند به منزله ابزاری مفید برای هر کشوری استفاده شود (واتس و همکاران، ۲۰۱۰).

۷. حسابداری اسلامی یکی از ملزومات تحقق مالیه اسلامی

شاخه ای از حسابداری که فعالیت ها و وظایف خود را جهت دستیابی به اهداف متعالی و اخلاقی منطبق بر شریعت اسلامی بنا می نهد حسابداری اسلامی نامیده می شود (مهدوی خو و ختن لو، ۲۰۱۲). بر اساس یک سیستم حسابداری اسلامی، شناسایی، اندازه گیری، ثبت و تجزیه و تحلیل فعالیت های مالی یک واحد تجاری، بر اساس اصول و قوانین اسلامی صورت می گیرد (اثرو اولاه، ۲۰۰۹). عموماً در این شیوه حسابداری فرایندهای حسابداری به شکلی در کنار هم قرار گرفته اند که سهامداران، استفاده کنندگان صورت های مالی و آحاد جامعه اطمینان می یابند که اطلاعات مالی و غیرمالی مورد نیازشان که توسط مؤسسات مالی و پولی ارائه می گردد، مبتنی بر اصل حسابداری نهایی به خداوند متعال است (حمید، ۲۰۰۰). با توجه به اینکه شریعت اسلامی قوانین و مقررات خاصی را برای فعالیت های تجاری مشخص نموده است، توسعه و گسترش مبانی نظری و کاربردی این شیوه حسابداری نیاز به آگاهی و اطلاع کاربران این اطلاعات دارد.

از سوی دیگر باید به این نکته توجه نمود که چارچوب سیستم های حسابداری غربی تمایزی بین اخلاق و تعهد حرفه ای و شخصی افراد قائل می گردد. بدیهی است این دیدگاه نشأت گرفته از دکترین و تئوری های اخلاقی موجود در سیستم های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع غربی بوده و با جوامع اسلامی تفاوت دارد (سلیمان، ۲۰۰۳).

در دیدگاه اسلامی، یک سیستم حسابداری نه تنها باید وظیفه تهیه اطلاعات مالی را برای کاربران اطلاعات، سیستم اقتصادی و به طور کلی جامعه به درستی انجام دهد بلکه مکلف است بر اساس وظیفه حسابداری خود این اطلاعات را منطبق بر دستورات الهی تهیه و افشا نماید (عبدالرحمان، ۲۰۰۳).

اگرچه کشورهایی مانند ایران، مصر، عربستان و پاکستان به عنوان کشورهای اسلامی شهرت یافته اند، اما کشورهایی مانند مالزی و بحرین نقش فعالی در گسترش و نهادینه سازی مؤسسات مالی بر مبنای حسابداری اسلامی داشته و این کشورها به سمت تدوین استانداردهای حسابداری، حسابرسی و حاکمیت شرکتی اسلامی گام برداشته اند (حنیف و حودی، ۲۰۱۰).

با توجه به مطالب مذکور و ضرورت موجود برای گسترش مفاهیم مالیه و مالیات اسلامی و بهره‌گیری از ظرفیت بالقوه مالیات‌های اسلامی که منطبق با قوانین و شریعت اسلامی پایه‌ریزی شده‌اند، اکنون وقت آن رسیده که با نگرشی مجدد به مفاهیم، اصول و استانداردهای حسابداری، اقتصاد، بانکداری و رشته‌هایی نظیر آن، به سمت تدوین و به‌کارگیری چارچوب تئوریک مدیریت مالی-اسلامی گام برداشته و با سرلوحه قرار دادن اخلاق و معارف اسلامی بستر مناسب برای ایجاد یک سیستم جامع مالی-اسلامی فراهم گردد. توجه به مفاهیم اخلاقی در مباحث مالی به ارتقای کیفیت گزارشگری مالی منجر می‌گردد. هم‌اکنون، شاخه‌ای از اصول اخلاقی از سوی اغلب کشورهای اسلامی ارائه می‌شود که به اخلاق اسلامی-تجاری معروف است. این مجموعه اصول رفتاری، نگرشی اسلامی بر فعالیت‌های تجاری داشته و سعی بر القای مفاهیم دینی و اعتقادی در فرایند انجام فعالیت‌های مالی دارد. صاحب‌نظران حسابداری اسلامی معتقدند که باید منبع و کیفیت وصول درآمدها از جنبه مشروعیت و قانونی بودن آن مورد بررسی قرار گیرد. این دیدگاه را به دانشجویان رشته‌های مالی آموزش داد (مهدوی‌خو و ختن‌لو، ۲۰۱۲).

۸. نتیجه‌گیری

اگرچه تلاش جهت وصول مالیات حقه دولت، شناسایی پایه‌های مالیاتی اسلامی و کاهش شکاف عمیق موجود بین ظرفیت بالقوه و بالفعل کشور از اساسی‌ترین مباحث و بسترسازی مناسب و تلاش مضاعف برای تحقق آرمان‌های متعالی یک جامعه اسلامی و مشارکت افراد در این مبحث مهم، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و از کلیدی‌ترین برنامه‌های یک دولت اسلامی است، اما با توجه به ویژگی‌ها و آثار مالیات از دیدگاه اسلام و تفاوت‌های آن با مالیات در مکتب‌های دیگر مشخص می‌شود که برنامه‌ریزی جهت وصول و ارتقای مقوله تمکین مالیاتی مؤدیان مالیاتی نیز باید بر اساس این خصوصیات و ویژگی‌ها مدنظر قرار گیرد. ویژگی‌هایی نظیر داشتن نگاه عبادی و اخلاقی به موضوع مالیات در اسلام، اعتماد به حکومت اسلامی جهت توزیع و تخصیص عادلانه منابع جامعه اسلامی و بیت‌المال، پایین بودن هزینه وصول با توجه به دیدگاه ادای دین و مواردی از این قبیل نشانگر آن است که می‌توان با فرهنگ‌سازی مناسب و تبیین چیستی و چرایی مالیات در جامعه اسلامی و استفاده از ظرفیت‌های موجود براساس ویژگی‌های فوق وصول مالیات‌های اسلامی را با سهولت و هزینه پایین‌تری ممکن نمود و سطح تمکین مؤدیان نسبت به پرداخت انواع مالیات را ارتقا داد.

بدیهی است اهداف مالیاتی دولت اسلامی زمانی تحقق خواهد یافت که آحاد جامعه نسبت به این وظیفه بزرگ احساس مسئولیت نمایند. از این‌رو تشریح و تبیین مبانی و چارچوب مالیه و

حسابداری اسلامی در راستای تحقق اهداف متعالی یک حکومت اسلامی، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین با توجه به مباحث تنویریک در مورد مالیات‌های اسلامی، تجربه سایر کشورها و وضعیت فعلی ظرفیت‌های موجود در کشور، تبیین، شناسایی و شناساندن شیوه محاسبه و مبانی اقتصاد و حسابداری اسلامی در کشور باید به‌طور جدی و پیوسته با یک برنامه مدون پیگیری شود. این مهم می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق و منظم و گسترش همزمان برنامه‌هایی در ارتباط با توسعه حسابداری اسلامی و معرفی مبانی منطبق با اصول و مقررات اسلامی در قالب یک الگوی ایرانی-اسلامی، شرایط اجرا و پیاده سازی مالیات‌های اسلامی در کشور را به‌وجود آورد.

منابع

- پورفرج، علیرضا و حبیب انصاری (۱۳۹۰)، "نقش مالیات اسلامی زکات در رشد و توسعه اقتصادی در مقایسه با مالیات‌های متعارف"، مجموعه مقالات سومین همایش مالیات‌های اسلامی، قم، دانشگاه مفید.
- عزیزی، سعید (۱۳۹۰)، "بررسی ارتباط بین مالیات اسلامی و مالیات جدید"، مجموعه مقالات سومین همایش مالیات‌های اسلامی، قم، دانشگاه مفید.
- عظیمی دخت شورکی، سید محسن (۱۳۸۷)، *مالیات‌های اسلامی و اثر توزیعی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معارف و اقتصاد، دانشگاه امام جعفر صادق (علیه السلام).
- کریمی، محمد مهدی و محمد پورمند (۱۳۸۵)، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، تهران: انتشارات سمت.
- Abdalati, H. (1980), Islam in Focus, Islamic Teaching Centre, Riyadh, PP. 126-129.
- Abdul Rahman, A. R. (2003), Ethics in Accounting, *IIUM Journal of Economics and Management*, Vol. 11, No.1, PP. 2-8.
- Ahmad, S.M. (1977), *Economics of Islam: A Comparative Study*, S.M.A., Lahore.
- Ahmad, Z. (1989), "Public Finance in Islam", International Monetary Fund Working Paper, Islamabad, Pakistan.
- Al-Qardawi, Y. (1980), *Fiqh-al Zakah* (Urdu), Idarah Dawat al-Quran, Bombay.
- Australian Board of Taxation (2010), "Review of the Taxation Treatment of Islamic Finance", Discussion Paper, PP. 2-6.
- Ather, S. M. & M. H. Ullah (2009), "Islamic Accounting Systems and Practices, Accounting Systems: The Cost and Management", November- December, 1-16.
- Bakar, M.D. (1998), *The Malaysian Zakah System: Law and Policy Reform, Seminar on Zakah and Taxation*, Organized by Kuliyah of Economics and Management, International Islamic University, Malaysia, 8-9 June.
- Connolly, S. & A. Munro (1999), *Economics of the Public Sector*, Prentice Hall, England.
- Hameed, S. (2000), *The Need for Islamic Accounting: Perception of Its Objectives and Characteristics by Malaysia Accountants and Academics*, Ph.D. Thesis. University of Dundee.

- Haniffa, R. & M. Hudaib (2010), "Islamic Finance: from Sacred Intentions to Secular Goals?", *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, Vol. 1, No. 2, PP. 85-91.
- Hanson, J.L. (1972), *A Textbook of Economics*, Sixth Edition, Macdonald and Evans, London.
- Hollander, S. (1973), *The Economics of Adam Smith*, Heinemann, Canada.
- Islahi, A. A. (1992), *Economic Concepts of Ibn Taimiyyah*, Ins. Sadeq, A.M. and Aidit, G. (edit.), Issues in Islamic Economics: Readings in Islamic Economic Thought: PP. 119-156,
- Mahdavi-khou, M. & M. Khotanlou (2011), "The Impact of Professional Ethics on Financial Reporting Quality", *Australian Journal of Basic and Applied Sciences*, Vol. 5, No. 11, PP. 2092-2096.
- Mahdavi-khou, M. & M. Khotanlou (2012), "New Approach to Teaching of Ethics in Accounting Introducing Islamic Ethics into Accounting Education", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 46, PP. 1318 – 1322.
- Mikesell, J.L. (2003), *Fiscal Administration: Analysis and Applications*, Sixth Edition, Wadsworth Publishers, California.
- Sabiq, S. (1991), *Fiqh us-Sunnah: Az-Zakah and As-Siyam*, Vol. 3, American Trust Publications, Washington.
- Sulaiman, M. (2003), "The Influence of Riba and Zakat on Islamic Accounting", *Indonesian Management and Accounting Review*, Vol. 2, No. 2, PP. 149-167.
- Wells, Joseph T. (1993), "Accountancy and white-Collar Crime", the *Annals of the American Academy of Political and Social Science*,.
- Watts, S. C.; Pallotto, C. & J. Bain (2010), *The Taxation Treatment of Islamic Finance in Canada*. KPMG, Discussion Paper.
- Zaim, S. (1989), *Recent Interpretations on Economic Aspect of Zakah*, Ins. Imtiaz, I. A., et al. (eds), *Management of Zakah in Modern Muslim Society*, IRTI/IDB: Jeddah, PP. 101-120.